

# تفسیر سورهٔ ملک

محمد عبداللهیان

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخاب سورهٔ ملک

اطلاع یافتیم استاد حضرت حجة الاسلام والمسلمين جناب آقای عبداللهیان در دقایق پایانی درس خارج فقه و اصول «در حوزه علمیه قم» در روزهای چهارشنبه مطالبی اخلاقی از نگاه آیات قرآن کریم را برای شاگردان و حاضرین در مجلس درس بیان فرموده اند که مورد استقبال شدید و شوق وافر شاگردان ایشان قرار گرفته است. این استقبال و شوق فراوان سبب می شود تا شاگردان و شرکت کنندگان به استاد پیشنهاد نمایند تا به طور کلی بحث روزهای چهارشنبه را به تفسیر قرآن کریم اختصاص دهند که مورد قبول واقع می گردد.

ایشان برای شروع، تفسیر «سورهٔ ملک» را انتخاب می نمایند و دربارهٔ علت انتخاب

این سوره می فرمایند:

«چون فکرو ذهن اینجانب از مدت های طولانی به فضائل و مناقب و عجائب «سورهٔ

ملک» جلب شده بود، تصمیم گرفتیم در ابتداء فضائل کم نظیر این سوره را بیان نمایم به امید آن که توفیق تفسیر آیات سوره نیز به دست آید».

نوشتار حاضر برگردان فایل های صوتی جلسات تفسیری معظم له از سوره ملک می باشد که جهت بهره مندی بیشتر تقدیم خوانندگان محترم می گردد.

مدیر داخلی بیّنات: حسن اکبری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم صل على محمد و اله الطاهرين و العن اعدائهم اجمعين.

درباره سوره شریفه ملک چند جلسه ای به صورت متفرقه بحث شده الان نخست بنا داریم در فضایل این سوره سخنی بگوییم و سعی ما بر آن است مستندات را بیان کنیم تا فضائل این سوره بهتر آشکار شود.

### فضائل سوره ملک

اولاً: سوره مبارکه ملک یکی از آن سه سوره ای است که امام صادق ع فرمودند: «أعطيت هذه الأمة ثلاث سور لم يعطها أحد من الأمم يس و تبارک الملک و قل هو الله أحد؛ سه سوره به این امت داده شده که به هیچ یک از امت های دیگر داده نشده است: یاسین، ملک و سوره توحید». سپس در همان روایت شریف - که مفصل هم هست - فرمودند: «خداوند سه ماه به این امت داده که به امت های پیشین نداده است، رجب، شعبان و رمضان» باز فرمودند: «خداوند سه روز در هر ماه به این امت داده که به امت های دیگر نداده است. شب سیزده و چهارده و شب پانزده، - لیالی بیض -». و سپس فرمودند: «می خواهید شما را به عملی راهنمایی کنم که اگر انجام بدهید بین این سه فضیلت جمع کرده باشید؟ این سه سوره ای که به هیچ شخصی داده نشده و این سه شبانه روزی که به این امت فقط داده شده و این سه ماهی که به این امت منحصرأ داده شده است». حضرت فرمودند: - چون الان ماه رجب هم در پیش است یادآوری می کنیم - «در شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، شعبان و رمضان؛ شب اول دو رکعت نماز می خوانید؛ در هر رکعت بعد از حمد سوره

یاسین، ملک و قل هو الله را می خوانید؛ شب چهاردهم، چهار رکعت نماز می خوانید در هر رکعت بعد از حمد سوره یس، ملک و قل هو الله را می خوانید و شب پانزدهم شش رکعت نماز در هر رکعت این سه سوره را بخوانید، اگر در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان این کار را انجام دهید؛ بین سه فضیلت جمع کرده اید»<sup>۱</sup>.

### پیامبر ﷺ و سوره ملک

و عن جابر قال: كان النبي ﷺ: «لا ينام حتى يقرأ تبارك والم تنزِيل؛ سيرة عملی ایشان این بوده که شب به خواب نمی رفتند مگر این که تبارک - الملك - و سوره الم تنزِيل را قرائت می کرد»<sup>۲</sup>.

در همین زمینه روایت از عایشه است که: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمَ تَنْزِيلًا - السَّجْدَةَ - وَ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ، كُلَّ لَيْلَةٍ لَا يَدْعُهَا فِي سَفَرٍ وَلَا حَضْرًا؛ عایشه که همسر پیامبر ﷺ بوده می گوید: هر شب پیامبر ﷺ این دو سوره را می خواند آن چنان مراقبت بر این کار داشت که نه در سفر و نه در وطن این مطلب را ترک نمی کرد»<sup>۳</sup>.  
می دانید که اعمال گاهی خودش اثری دارد و مداومتش اثری دیگری دارد و مضاعف می شود. همان طور که در ادعیه هم هست گاهی یک مرتبه اش اثری ندارد مثلا می گویند شما مدتی این را انجام دهید و بعد آثار افزون دارد.

### امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام و سوره ملک

حضرت امام باقر علیه السلام در آن روایت فرمودند: «وَإِنِّي لأُرْكَعُ بِهَا بَعْدَ عِشَاءِ الْآخِرَةِ وَأَنَا جَالِسٌ»<sup>۴</sup>؛ فرمودند: «در نماز وتیره سوره ملک می خوانم. من رکوع می کنم با این سوره بعد از عشاء آخر در حالی که نشسته هستم»<sup>۴</sup>؛ یعنی: در آن دو رکعت نماز وتیره که در برخی از روایات دارد که ثواب نماز وتر را دارد - نماز وتیره دو رکعت نشسته است که به منزله یک رکعت نماز ایستاده آخر شب است - که وقتی خدا صفات مؤمنین را می شمارد می فرماید: «آن هایی هستند که بیتوته - عبادت شبانگاهی - هم دارند» (القرآن، ۶۴/۲۵).  
و غیر از واجبات است؛ و از آن به تهجد سحر تعبیر شده است، و دارد: «اگر کسی این دو رکعت بعد از نماز عشاء را مراقبت کند و به جا آورد جزء غافلین نخواهد بود»<sup>۵</sup>.  
که یک بیتوته ای دارد. به همین جهت دیده اید که علما و بزرگان و بعضی ها نافله ظهر می خوانند یا بعضی نمی خوانند ولی همه مراقب هستند که این دو رکعت بعد از نماز عشاء را بخوانند. حالا شاید سری هم در این باشد که مثلا انسان حالی هم در آن

دو رکعت پیدا می‌کند؛ انسان یک حال مخصوصی از نظر قلبی و دعا پیدا می‌کند. در روایات ما است که: «کسی که نمازی را می‌خواند یک دعای مستجابی هم دارد». ولی این نماز وتیره بعد از دو نماز قرار می‌گیرد لذا این است که یک حال خاصی هم انسان‌ها در این نماز پیدا می‌کنند.

سیره امام باقر علیه السلام در این بوده که در نماز وتیره سوره ملک قرائت می‌فرموده است. امام باقر علیه السلام باز مطلبی را می‌فرمایند که سیره امام سجاد علیه السلام هم در این جا مطرح شده است: «وإنَّ والدي عليه السلام كان يقرأها في يومه وليلته...»<sup>۶</sup>. سیره عملی امام سجاد علیه السلام این بوده که روز و شب سوره ملک می‌خواندند. و این روایت در اصول کافی و هم در مجمع البیان ذکر شده است.<sup>۷</sup>

### صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سوره ملک

اما در بین صحابه و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله روایت این است که: فلَمَّا حَدَّثَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بهذا الحديث لم يبق صغير ولا كبير ولا حر ولا عبد إلا تعلّمها وسمّاها رسول الله صلی الله علیه و آله المنجية؛<sup>۸</sup> وقتی حضرت صلی الله علیه و آله فضیلت این سوره را بیان کردند دیگر نه کوچک و نه بزرگ و نه عبدی نماند مگر این که سوره ملک را فرا گرفتند؛ یعنی به این صورت رواج پیدا کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله این سوره را هم «منجیة» نام گذاشتند.

مثلا در باب سوره مبارکه یاسین داریم که ده هزار نفر آن را حفظ بودند ولی این طور تعبیری که یک سوره‌ای باشد و حضرت طوری بیان کند که کوچک و بزرگ و صغیر و کبیر این سوره مبارکه را بخوانند. درباره سایر سوره‌ها نداریم حتی سوره یاسین. روایت دیگر این که: حضرت مطالبی را فرمودند، و سپس راوی می‌گوید: و كان المهاجرون والأنصار يتعلمونها ويقولون المغبون من لم يتعلمها وهي سورة الملك؛ مهاجر و انصار این سوره را فرا گرفتند و می‌خواندند و می‌گفتند کسی که این سوره را فرا نگیرد ضرر کرده است، آن سوره ملک است.<sup>۹</sup>

### ثواب سوره ملک برای اموات

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «و من قرأها وأهداها إلى إخوانه أسرع إليهم كالبرق الخاطف، وخفت عنهم ما هم فيه، وأنستهم في قبورهم؛ هر کس این سوره مبارکه را بخواند و ثوابش را به برادران خودش -اموات- اهدا کند ثواب همان لحظه به او می‌رسد. علاوه بر آن اگر میت گرفتاری در قبرش داشته باشد بر اثر سوره مبارکه سبک می‌شود و با اموات

در قبورشان انس می‌گیرد».<sup>۱۰</sup>

روایت دیگری هم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به این همین مضمون آمده است: من قرأها على ميت خفف الله عنه ما هو فيه وإذا قرئت وأهديت إلى الموتى أسرع إليهم كالبرق الخاطف بإذن الله تعالى؛<sup>۱۱</sup> کسی که این سوره را بر میت قرائت کند - منظور محتضر است - حالت جان کندن بر او آسان می‌شود و به راحتی جان خواهد داد. یک اثرش آن است که اگر بر محتضر خوانده شود جان دادن او آسان خواهد بود. اما اثر دیگرش این است که اگر به درگذشتگان اهدا کنیم اثرش به سرعت به آن میت می‌رسد.

### یک خاطره از اثر سوره ملک برای اموات

یکی از بزرگان حجت الاسلام والمسلمین آقای سیدان که اهل مشهد هستند - و از بزرگترین شاگردان مرحوم آقا شیخ مجتبی قزوینی است، که هر وقت به زیارت قبر آقای «الهیان» می‌آمدند معمولاً سوره ملک را برای ایشان می‌خواندند - خاطره‌ای گفتند که: من یک روز حرم رفتم و قبر آقا شیخ را هم زیارت کردم و یک عقدی بود برای کسی خواندم. در برگشت سر قبر همسرشان - خواهر آقای سیستانی - رفتند و می‌گویند: سوره ملک خواندم. پسرم داشت می‌آمد قم که در شب چهارشنبه نذرش ادا کند. با برادرش تماس گرفت و گفت: من در اتوبوس خوابم برد و والده ام به خوابم آمد و گفت: حاج آقا الان برای من هدیه بسیار نفیسی فرستاد. ببینید آقا برای مادر چه کار کرده است؟ می‌گفت: دقیقاً همان لحظه‌ای خواب دیده بود که من سر قبر ایشان سوره ملک را خوانده بودم.

این بشارت بسیار بزرگی برای گذشتگان انسان است مخصوصاً کسانی که بینیم یک دینی به گردنش است سوره ملک برای این که از آن حالت رها بشود خوانده شوند.

### سوره ملک و آرزوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در سه روایت داریم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این طور فرموده اند: «وددت أن تبارك الملك في قلب كل مؤمن؛ آرزومندم که سوره «تبارک الملک» در قلب همه مؤمنان باشد».<sup>۱۲</sup> این تعبیر، در مورد سوره یس هم هست. در سه روایت حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آرزو کردند که کاش این سوره مبارکه در قلب امت من باشد.<sup>۱۳</sup> در ذیل بعضی از روایات این سوره القابی برای سوره مبارکه بیان می‌فرمایند: چون

این سوره نگهدارندهٔ انسان از گناه است «الواقیة»<sup>۱۴</sup> است، چون نگهدارنده از عذاب قبر و سوال نکیر و منکر است. «المنجیة»<sup>۱۵</sup> است؛ انسان را نجات می‌دهد چون این فواید را دارد حضرت آرزو می‌کند که کاش از این فواید امت من بهره مند بشود. به همین مضمونی که عرض کردم در سه جا حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این آرزو را داشتند.

### آثار قرائت سورهٔ ملک در شب

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من قرأ في ليلة: ﴿الْم تَنْزِيلٌ﴾ - السجدة - وَ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ - كان له من الأجر مثل ليلة القدر؛ کسی که شب سورهٔ «الم تنزیل» و سورهٔ «ملک» را بخواند ثواب شب قدر را دارد».<sup>۱۶</sup> در جای خودش صحبت کردیم که شب قدر آثار متعدد است از جمله عبادت در آن شب، برابر هزار شب دیگر است. پس بنابراین خواندن یک سوره در شب مثل این که در هزار شب دیگر ما سورهٔ ملک خوانده‌ایم.

### قرائت هنگام خواب

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إني لأجد في كتاب الله سورةً وهي ثلاثون آية من قرأها عند نومه كتب له بها ثلاثون حسنة ومحى له بها ثلاثون سيئة ورفع له ثلاثون درجة وبعث الله إليه ملكاً من الملائكة يبسط عليه جناحه ويحفظه من كل سوء حتى يستيقظ وهي المجادلة يجادل عن صاحبها في القبر وهي ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾»؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «یک سوره‌ای است که سی‌آیه دارد، هر کس هنگام خواب آن را بخواند سی‌حسنة خدا برایش ثبت می‌کنند، سی‌گناه از نامۀ عملش محو کنند، سی‌درجه برای او ثبت می‌کنند و خداوند از ثواب او فرشته‌ای می‌آفریند که او را حفظ می‌کند».<sup>۱۷</sup> منظور این است که کسی وقت خواب بخواند این آثار برایش ثبت می‌شود، کسی که می‌خواهد قبل از خواب بخواند همان عملی را که عایشه نقل کرد می‌شود که هم در قبل از خواب بوده و هم در شب؛ پس ثواب لیلۀ قدر و ثواب درجاتی که در این روایت آمده را داراست.

ایشان باید از خداوند توفیق همراهی با این سورهٔ مبارکه را طلب کند.

### لقب منحصر به فرد این سوره

«منجیة» و «واقیة» از القاب در این سوره است که بعضی از سوره‌های دیگر هم دارد؛ اما یک لقب منحصر به خودش دارد که باید حقیقتش درست ادا بشود که لقب «مجادله» است و منحصر به خود این سورهٔ مبارکه است و مدافع سرسختی که در دفاع از انسان

حتی در مقابل گفتگو با پروردگار هیچ کوتاه نمی آید، منحصر به خود سوره ملک است که انشاء الله با همراهی این سوره این یار و مدافع همیشگی را خواهیم داشت.

### اثر سوره ملک در رساندن سلام به محضر پیامبر ﷺ

از جمله آثاری که مرحوم علامه مجلسی برای سوره ملک ذکر کرده است این است: اگر کسی بخواهد سلامش به پیشگاه پیامبر اکرم ﷺ تقدیم بشود و برسد این سوره را بخواند و سلام بدهد آن سلام به حضرت می رسد.

### رسیدن سلام به حضور معصومین ﷺ:

گاهی سؤال می کنند این که ما به ائمه ﷺ سلام می کنیم، یا به امام زمان ﷺ یا حضرت سیدالشهداء ﷺ سلام می کنیم به خود حضرت مثلاً امام زمان ﷺ می رسد یا می رسانند یا نه بی اثر است؟

اگر این سلامی که انسان می دهد از یک روح پاک و با توجه و تمرکز باشد، بدون واسطه می رسد فرشته هم نمی خواهد، قطعاً به آن بزرگواران می رسد؛ به امام زمان ﷺ سلام می دهید این جا که سلام می کنید بعضی از بزرگان می فرمودند: قبل از این که این صدا به گوش خود شما برسد به پیشگاه حضرت می رسد. فقط توجه و تمرکز و روح بلند و پاک نیاز دارد.

و در مراحل پایین ترش توجه نیست یا ممکن است گرد و غبار و آلودگی در روح عارض شده باشد که آن را فرشتگان می رسانند. پیامبر ﷺ فرمودند: «کسانی که از راه دور سلام کنند فرشتگان به من می رسانند کسانی که از نزدیک سلام کنند خودم می شنوم و جواب می دهم».<sup>۱۸</sup> این در بقاع متبرکه و حرم ائمه ﷺ است. «تشهد مقامی، ترد سلامی» در نزدیک باشد.

البته ممکن است یک وقتی باشد که به اصطلاح گرفتاری یا تشتت ذهن یا آلودگی باشد که اطمینانی نیست که حتی فرشتگان هم برسانند. این چیزی که الان می گوئیم؛ یعنی: اگر کسی سوره ملک را در وقت خواب بخواند آن دعایی که امام ﷺ فرموده انجام بدهد، دیگر اطمینان دارد که خداوند از طریق ثواب این سوره فرشتگانی می آفریند که سلام را به حضرت برسانند.

بنابراین اگر ارواح پاک باشند سلامشان بی واسطه می رسد. لذا یکی از اصول ثابت در تمام زیارات همین سلام و سلام دادن است. این سلام از راه دور اگر انسان با توجه

بگویند یا خود سلام می‌رسد یا فرشتگان می‌رسانند ولی برای این که انسان یقین کند که قطعاً سلام او می‌رسد این روایت شریف را ملاحظه بفرمایید.

**دعای خاص همراه با خواندن سوره ملک برای رسیدن سلام به پیامبر ﷺ**

مرحوم مجلسی در بحار الأنوار می‌فرماید: إذا أردت أن يبلغ إلى النبي ﷺ سلامك عليه و بشرك كالتسليم عليك فقل ما روينا في الجزء الثالث من كتاب التَّجَمُّل في ترجمة علي بن محمد بن علي بن قورجة بإسناده؛ قال سمعت النبي ﷺ يقول: «من أوى إلى فراشه ثم قرأ تبارك الذي بيده الملك، ثم قال: «اللهم ربّ الحَلِّ والحرم بلِّغ روح محمد عتيّ تحيةً وسلاماً» أربع مرّات، وكلّ الله به ملكين حتّى يأتيا محمّداً فيقولان: يا محمّد إنّ فلان بن فلان يقرأ عليك السّلام ورحمة الله وبركاته؛ اگر می‌خواهی که سلام توبه پیامبر برسد و حضرت هم جواب سلامت را بدهد، بگو آن روایتی را که ما در ترجمه محمد بن علی بن قورجه آوردیم. راوی می‌گوید: شنیدم حضرت فرمودند: «کسی که در بستر خواب قرار بگیرد بعد سوره ملک را قرائت کند و بعد چهار مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْحَلِّ وَالْحَرَمِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً وَ سَلَاماً» دو فرشته موکل می‌شوند تا پیش پیامبر ﷺ بروند و عرض کنند فلان شخص پسر فلان شخص برای شما سلام و رحمت خدا فرستاد و حضرت پاسخ می‌دهند».<sup>۱۹</sup>

این هم کم برکتی نیست که در بستر قرار می‌گیرد، سوره تبارک را می‌خواند و این دعا را می‌گوید همان لحظه سلامش به پیامبر ﷺ برسد و در همان لحظه حضرت به او جواب بدهد و انسان اگر انجام بدهد آثار و فضائل و برکاتش را خواهد یافت. بنابراین اگر کل هستی بخواهند سلام بدهند، پیامبر ﷺ چطور جواب همه را می‌دهد؟

جوابش در مسأله امامت و نبوت بیان شده است که آن‌ها در هر لحظه می‌توانند میلیاردها یا میلیون‌ها جواب را بدهند. آن کسی که از پشت سر هم می‌بیند از راه دور هم می‌بیند جانبی برای او مطرح نیست. فرشته‌ای که می‌آید. با همان شکل و شمایل آسمانی جوابش را می‌دهند.

### آسان شدن سکرات مرگ

اثر دیگر، سوره ملک آسان شدن سکرات موت است. یکی از مراحل دشوار که انسان پیش رو دارد سکرات موت و سختی جان‌کندن است که گفته شده اگر چنگال



هایی از آتش از پا تا سرکسی بکشند و از بالای سرش رد کنند این چقدر دردناک است و فریاد می‌کشد سكرات مرگ چنین دشواری و سختی را دارد که روحش از بدنش خارج می‌شود. روایات در این مورد فراوان است و نوعاً کسانی که محضر هستند و در بستر مرگ قرار می‌گیرند این مرحله را می‌گذارند؛ می‌شود گفت نود و نه درصد مگر مؤمنین مخلص که این سكرات را ندارند حالا به این شدت می‌توان گفت ندارند. حتی برخی ائمه علیهم‌السلام خیلی گریه می‌کردند و ناراحت می‌شدند برای امتشان که این مرحله را می‌خواهند بگذرانند. میتی که در بستر قرار گرفته گاهی یک یا دو روز یا بیشتر هم می‌کشد تا فوت کند و در سكرات موت است، برای آسان شدن و روان شدن جان کندن و سختی های سكرات موت سوره ملک توصیه شده است؛<sup>۲۰</sup> البته سوره یس و صافات هم توصیه شده است که در روایات موجود است.<sup>۲۱</sup>

در روایت دیگری هم است که حضرت فرمودند: «سوره صافات بخوان» گفت: تا حالا یاسین شنیدم؟ حضرت فرمود: «منافات ندارد».

در روایت است قال الصادق علیه‌السلام: «من قرأها علی میت خفف الله عنه ما هوفیه، و إذا قرئت و أهدیت إلى الموتی أسرع إليهم كالبرق الخاطف بإذن الله تعالی»؛<sup>۲۲</sup> میت یعنی آن کسی که در حال مردن است. آن چه که الان آن میت دارد خداوند برایش سبک می‌کند و سكرات موت را برای او مبارک و آسان می‌کند و این سختی را از او رفع می‌کند.

### سؤال نکیر و منکر و سوره ملک

اثر دیگر این سوره مبارکه آن است کسی که با سوره ملک انس دارد از سؤال نکیر و منکر راحت است.

نکته ای در این جا وجود دارد این است که سؤال نکیر و منکر به ظاهر سؤال های آسانی است مثلاً سؤال می‌کنند پروردگار و کتاب و پیامبر شما کیست؟ این ها آسان است و از هر کسی سؤال کنید فاسق یا فاجر باشد معمولاً سؤال کنید چیز خاصی نیست که پروردگارت کیست؟ خدا. پیامبر شما و قرآن شما چیست؟ پس چه طور است که مرحله سخت یاد شده است و گفته شده است که سؤال نکیر و منکر و بعد به میت تلقین می‌کنند که این را بگو. اگر سؤال کردند این را بگو و همه از سؤال نکیر و منکر ترس دارند. مساله این است که انسان آنچه را که بلد است و به آن آگاه

است که نمی‌تواند با خودش ببرد؛ یعنی: یک فردی است که استاد دانشگاه است و در همان اولین لحظه سکرات موت همه از یادش می‌رود ببینید چون جایگاه این‌ها در سلول‌های مغز - مغز مادی - است و ارتباط مغز با این سلول‌ها کار می‌کند قطع شد همه از یادش می‌رود؛ یعنی شما می‌توانید بگویید در عالم برزخ، هیچ کدام از این معلومات آن جا نیست. در واقع این علوم بشری در همان اولین سکرات موت از بین می‌رود و هیچ چیز نیست. لذا وقتی جانش کنده می‌شود و ارتباطش با دنیا قطع می‌شود دیگر هیچ کدام از این معلومات همراه او نخواهد بود نه فیزیکدان فیزیک می‌داند و نه شیمی‌دان شیمی می‌دانند و نه تحصیلات عالی همراهش است؛ یعنی: همچنان که لباس را می‌کند و از این دنیا می‌رود تمام علوم را می‌کند و از این دنیا می‌رود. از این علوم برای او چه می‌ماند؟ آثارشان باقی است. این علم را به کار گرفته در راه خدا، این علمش موجب ثواب شده و ثوابش هست. حالا یکی می‌گوید برای خدا یعنی این که بشری را به نوایی رسانده با این پولی که داشته دردی یا غمی را از دل کسی برداشته است ثوابش با او می‌آید پول و خانه که با میت نمی‌آید. علم هم همین‌طور است؛ بنابراین خود علم با انسان نمی‌آید ولی ثوابش می‌آید؛ یعنی علم ابزار بوده مثل ماشینی که داشته ماشین را در قبر نمی‌گذارند ولی اگر با این ماشین مشکل گشایی کرده باشد آثارش با او می‌آید. انسان از این جا چه چیز با خودش می‌برد؟ یک روح می‌برد، یک اخلاق می‌برد و یکی هم ایمانش را می‌برد. چیزهایی که به آن‌ها ایمان و اعتقاد داشته همراه انسان می‌آید. حالا اگر کافر بوده به یک سری امور اعتقاد داشته یا اگر مؤمن بوده به یک سری امور اعتقاد داشته است آن اعتقاد می‌آید

### تفاوت علم و اعتقاد

اعتقاد غیر از علم است یکی از جاهایی که اعتقاد با علم تفاوت دارد همین جاست علم مثل بدن فانی است ولی ایمان و اعتقاد مثل روح جاودانه است. حالا این جا توجه بفرمایید که اگر این شخص در زندگی اش خدا، کتاب خدا، امامت، نبوت برایش علم بوده همان لحظه‌ی اول فراموش می‌کند اما اگر ایمان به خدا داشته و با خدا زندگی کرده و دائم دستور خدا جلوی چشمش بوده و خدا را ناظر و حاضر می‌دیده در پیشگاه او تعظیم می‌کرده و تکریم می‌کرده و نماز می‌خوانده و بالاخره ایمان داشته، آن ایمان با او می‌آید. کتاب خدا هم همین‌طور صرف این که می‌دانسته کتاب خدا

است این علم است اما اگر دستور خدا را عمل می‌کرده و عظمت این کتاب را معتقد بوده و آن را می‌خوانده و این را کلام خدا می‌دانسته آن جا یادش است که این قرآن کتاب خداست. و این امر شامل همه انسان‌ها می‌شود، حتی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام آن چه که علم است این جا می‌ماند و آن چه ایمان است با انسان همراه است.

وقتی قرآن حفظ می‌کند؛ یک وقت این است که می‌خواهد این قرآن را حفظ کند که در مسابقات شرکت کند، علم است، می‌خواهد در رقابت برنده بشود. چندان دستوراتی هم ندارد، مثلاً ابالی است؛ این از علم به خود خدا که بالاتر نیست توحید را یادش می‌رود لذا وقتی می‌پرسند پروردگار تو کیست؟ نمی‌داند کیست چون عظمت خدا را اعتقادی نداشته یعنی: ایمان نداشته است، علمش یادش می‌رود. اعتقاد به بزرگی ائمه اطهار علیهم‌السلام داشته همیشه حرف ائمه علیهم‌السلام روی چشمش بوده و آن‌ها را بزرگ می‌دانسته و به زیارتشان می‌رفته است خود این زیارت نماد از ایمان است. این جا هم آن عظمت و اعتقاد یادش است. علم به قیامت هم همین‌طور است چون خائف از قیامت بوده است، قیامت هر صبح و شب یاد می‌کرده است و از قیامت به خدا پناه می‌برده است آن کسی که با ایمان زندگی کرده این امور برایش آسان است. اما کسانی که با ایمان به این‌ها زندگی نمی‌کرده فقط می‌دانسته قرآن کتاب خداست ولی دستوراتش همیشه زیرپایش بوده است. ایمانی به خدا نداشته بلکه به او علم داشته است، این اصلاً متوجه نمی‌شود و مغزش کار نمی‌کند. لذا اولین مرحله‌ای که بروز می‌کند که آینده این فرد چیست و گذشته‌اش چه بوده هیچ کجا مثل سؤال نکیر و منکر نبوده و معلوم می‌شود که زندگی‌اش چه بوده و آینده‌اش چگونه است؟

- دلیل بر این که فراموش می‌کند شواهد بسیار زیادی - صدها شاهد - است مثلاً در روایت است یک فردی را وقتی سؤال می‌کنند «من ربّک»؟ نمی‌داند چیست؟ در روایت است سالیانی در آتش می‌سوزد و بعد یک چیزی به ذهنش می‌آید که آن کسی که آسمان و زمین را آفرید هنوز نام الله را یادش نمی‌آید. این احتیاج به تامل و کار دارد. این علمی که ما می‌گوییم علم بشری است. مثلاً علم به ستارگان دارد این علم یک وقت برایش یک حرفه‌ای است یک وقت هم از این عظمت خدا در دلش می‌نشیند و برایش ایمان می‌آورد و چیزی عائدش می‌شود. لذا این است که اگر در دنیا این سؤالات را بکنند آسان‌ترین چیز است ولی در مرحله‌ای که روح از بدن خارج شده

یعنی همهٔ معلومات مثل لباس ریخته و رفته لذا علم دنیایی و علم آخرتی داریم. و این که توصیه می‌کنند آن علمی که به درد آخرت می‌خورد دنبال آن را فرابگیر مراد این است که گفته شد.

### همراهان انسان در عالم برزخ

چند چیز همراه انسان وارد قبر می‌شود؛ اول: ایمان؛ دوم: آثار اعمال و آثار علوم سوم: اخلاق؛ ایمان روح انسان است، اخلاق جان انسان است، اخلاق با انسان عجین است مثلاً آدمی که متکبر است یا آدمی که بخیل است. اخلاق او به صورت شکل انسان در می‌آید باید ببینیم کارهایی که انجام داده کارهای بد بوده عذاب است، کارهای خوب بوده بهشت جای انسان است. روی این جنبه است که این سؤال نکیر و منکر هستی انسان است.

### نقش سورهٔ ملک در دفاع از انسان

در این جا یک نکته ای وجود دارد که وقتی نکیر و منکر می‌آیند اگر خداوند تبارک و تعالی بر انسان سختگیری کند، خود مواجهه با این‌ها، انسان را دچار یک مشکلاتی می‌کند که امکان جواب دادن حداقلی را از او می‌گیرد. لذا دارد کسی که با سورهٔ «ملک» انس دارد از سؤال نکیر و منکر راحت می‌شود لذا روایت است که: «من قرأها.. إذا دخل علیه فی قبره ناکرو نکیر من قبل رجلیه قالت رجلاه لهما لیس لکما إلی ما قبلی سبیل قد کان هذا العبد یقوم علی فیقرأ سورة الملک فی کلّ یوم ولیلته وإذا أتیاه من قبل جوفه قال لهما لیس لکما إلی ما قبلی سبیل قد کان هذا العبد أوغانی - وقد قدوعی - سورة الملک وإذا أتیاه من قبل لسانه قال لهما لیس لکما إلی ما قبلی سبیل قد کان هذا العبد یقرأ بی فی کلّ یوم وليلة سورة الملک؛ نکیر و منکر از طرف پایین پای او می‌آیند؛ پاهای این فرد به نطق می‌آیند و به نکیر و منکر می‌گویند راه شما از این جا نیست. این برپا می‌ایستد و سورهٔ ملک را می‌خواند. از جلوی رویش می‌آیند این فضای جلوی بدنش با نکیر و منکر مواجهه می‌شوند که شما راهی به این فرد ندارید، این در دل خودش سورهٔ ملک داشت. از جلوی صورتش که می‌آیند زبان می‌گوید این شخص توسط من سورهٔ ملک را قرائت می‌کرد».<sup>۲۳</sup>

می‌توان گفت: این سوره دشواری سؤال نکیر و منکر را از انسان برمی‌دارد. پس می‌توانیم بگوییم: فردی که سؤال شب اول قبر ندارد و دشواری آن از او دفع می‌شود؛

کسی است که با سوره ملک انس دارد. و همیشه آن را تلاوت کند.

### هراس از سؤال نکیر و منکر

سؤال نکیر و منکر در شب اول قبر را اگر کسی در دنیا سؤال کند آسان است و می‌توانیم جوابش را بدهیم اما اگر در آن طرف عالم از انسان سؤال کنند جوابش به این آسانی نیست. به خاطر این که انسان همان طوری که مال و لباس و هر چه را که از دنیا به دست آورده می‌گذارد و تنها از این دنیا می‌رود یکی از آن چیزهایی که جدا می‌کند و در این دنیا و می‌گذارد علم است و علم را با خودش نمی‌برد. در همان اول ضربه مغزی و فشار جان کردن دیگر هیچ چیز نمی‌داند و معلوماتش از بین می‌رود. چون جایگاه این علوم به وسیله مغز است مغز که از بین رفت و متلاشی شد دیگر علمی نمی‌ماند. خلبان در آن جا خلبان نیست و ملوان هم ملوان نیست ریاضی دان ریاضی نمی‌داند و شیمی دان هم شیمی نمی‌داند و عالم دینی هم همین طور است. آن چه که از علم با خودش می‌برد آثارش است به وسیله آن علم، عمل صالحی به جا آورده و حیثیت خود و خانواده اش را حفظ کرده است و آثار آن علوم که با آن کار کرده هر کاری که با او کرده است خوب یا بد آن با فرد می‌آید. پزشکی است به وسیله این خیانت کرده عذاب برایش می‌آید یا خدمت کرده ثوابش برایش می‌آید.

### همراهی اعتقادات با میت:

بنابراین از علوم، تنها ثواب و آثار آن‌ها و بهره‌ای که از آن علوم برداشته با میت همراه است. اما از خود علم در عالم دیگر خبری نیست. آن چه که با انسان می‌آید ایمان است آن علمی که به آن اعتقاد دارد، ایمان رنگ آخرتی دارد علم رنگ دنیایی دارد همان طور که جسم انسان رنگ دنیایی دارد و در این دنیا می‌آید و چند روزی به این شکل است و بعد هم خاک می‌شود و از بین می‌رود. این چهره و بازو بعد از این که چند روز در خاک ماند متلاشی می‌شود و از بین می‌رود. این شکل و قیافه دنیایی است اما روح انسان جاودانه و باقی است. با از بین رفتن بدن از بین نمی‌رود و بلکه باقی می‌ماند و از این جهان به جهان دیگر می‌رود. این روح که رنگ جاودانه و بقاء دارد شرافت انسان است.

### شرافت روح

می‌گویند: انسان شریف‌ترین موجود در بین موجودات روی زمین است. به چه شکل انسان شریف‌ترین موجود است؟ با خوردن و خوراک و پوشاک که همه دارند شریف‌ترین

نمی‌شود بلکه شریف بودن انسان به روحش است و به دو خصلت، روحش شریف است؛ یکی این که جاودانه است و دیگری هم در مراحل سیرو سلوک می‌تواند خودش را به درگاه قرب الهی برساند اشرف مخلوقات است به این دو علت است و الا اشرف مخلوقات بودن ما به واسطه خوردن و دیدن و پوشیدن نیست. حالا آن روح که جاودانه است بعد از فوت هر چه که با آن روح انسان عجین بشود و به آن اعتقاد پیدا کند همراه انسان است. این قرآن یک وقت در سطح علم است یک وقت معتقد می‌شود در برابر او خضوع می‌کند و احکامش را قبول می‌کند و به آن عمل می‌کند و معتقد به کتاب خدا و عظمت او می‌شود؛ این اعتقاد به کتاب خدا با او می‌آید اما اگر در سطح علم بود او از بین می‌رود. امامت ائمه هم همین‌طور، امام را قبول دارد اما کار خودش را می‌کند و آن‌ها را پیشوا نمی‌داند که حرفشان را الگو قرار بدهد و بزرگی آن‌ها را درک کند و به زیارت آن‌ها برود؛ این حرکاتی که ما داریم، اعمال ظاهری که داریم برخاسته از اعتقادات و این اعتقادات در جان ما رسوخ می‌کند. به این کتاب عمل می‌کند این اعتقاد را در دل انسان می‌نشانند، زیارت ائمه علیهم‌السلام می‌رود به جان انسان می‌نشیند، کتاب خدا را بیشتر قرائت می‌کند. به فرامین او پایبند می‌شود این اعتقاد است. و یا این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را قبول دارد و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حرف‌های او را قبول دارد و عمل می‌کند اعتقاد می‌شود اما صرف دانستنی که اعتقاد در آن نباشد هنگام مرگ آن علوم از بین می‌رود.

### ورود افراد به برزخ

برخی در دنیا به گونه‌ای بودند که گناه و معصیت زیادی نداشته و یا گناهشان خفیف بوده که خداوند بخشیده است. ظلم و شکنجه و عاق والدین نداشته از سوی دیگر عنادی هم با کسی نداشته ولی توجهی هم نداشته زندگی اش را می‌کرده این افراد وقتی وارد عالم برزخ می‌شوند در یک حالت غفلت و بی‌هوشی قرار می‌گیرند، یک وقت سر برمی‌دارند می‌بینند قیامت شده است. می‌گویند چند وقت است که شما فوت کردید؟ نمی‌دانند. چون این که این‌ها در برزخ عذاب نشدند چون عذاب در گرو اعمال بد است کسی که عمل بد دارد آن جا عذاب می‌شود اما کسی که ظلمی نکرده، حقی را نخورده، کسی را نکشته، عاق والدین نبوده است. از سوی دیگر اعتقادات به حقی هم نداشته است همه چیز یادش رفته و تا قیامت چیزی یادش نیست این شخص در یک بیهوشی و غفلت قرار می‌گیرد و در برزخ هیچ از خوب و بد نمی‌فهمد اما کسی که

با اعمالش مستوجب عذاب شده است و برای خودش آتش فرستاده است این بیهوش نیست در برزخ هوشیار است بلکه دائم در عذاب است از آن طرف کسی است که اعمال صالح و خالص دارد، نماز و قرآن و خیرات دارد، رسیدگی به دیگران و هدایت دیگران دارد؛ این هم در عالم برزخ هوشیار است و در نعمات قرار می‌گیرد.

**خاطره‌ای شگفت از عالم برزخ:** مرحوم آقای اراکی برای شخصی نقل فرمودند که در زمان حکومت یکی از پادشاهان - حالا به نحوی این اتفاقات اعجاز برانگیز را خدا قرار می‌دهد که مردم باور کنند- انگشتر پادشاه در قبر فردی جا می‌ماند و بعد این قبر را می‌شکافد که انگشتر را بیاورد. در آن جا یک باغ و بهشتی می‌بیند. می‌رود گشتی در باغ می‌زند انگشتر را برمی‌دارد و بالا می‌آید و بعد می‌بیند ۳۰ سال از وقتی که او در قبر رفته گذشته است.

خوشا به حال آن کسی که با عمل صالح می‌رود آن هم در آن جا در نعمت و جنت بهشتی است و البته ممکن هم است ۳۰۰ یا ۴۰۰ سال آن جا به اندازه یک ساعت این جا هم نباشد که ما این را بهشت و یا جهنم برزخی می‌گوییم.

### جواب منکرین بیهوشی اموات در برزخ

گروهی این مطلب را که در روایات است: «برخی‌ها در برزخ بیهوش هستند»؛ را منکر می‌شوند و می‌گویند: ما ادله عقلی داریم که انسان در عالم برزخ زنده است و نمی‌میرد. بله؛ ادله عقلی داریم در عالم برزخ انسان زنده است و نمی‌میرد ولی ادله عقلی نداریم که یا باید در عذاب یا در نعمت باشد. بلکه ادله عقلی داریم که عذاب علتی دارد و آن عبارت اعمال ناشایست و نعمت‌ها علتی دارد که عبارت از اعمال شایسته؛ اما فردی که نه این را دارد و نه آن را دارد این همان کسی است که تا قیامت بیهوش است؛ بنابراین در برزخ همه در نعمت و در عذاب نیستند برخی هستند که در برزخ بی‌هوش می‌شوند و تا قیامت می‌مانند.

با توجه به این که ما ایمان می‌بریم، ایمان هم با آثارش در دل ما جا می‌گیرد، اگر کسی کتاب خدا را می‌خواند و به حرفش عمل می‌کند از تهدیدهای قرآن می‌ترسد گریه می‌کند و به دلش می‌نشیند این کتاب خدا را یادش است و معرفت دارد. این کتاب خدا با او انیس و مونس می‌شود و شفیع او هم در قیامت می‌شود. کسی هم که با سوره ملک مأنوس بوده و او را همیشه تلاوت می‌کرده این سوره شب اول قبر می‌آید، و نکیر

و منکر از هر طرف که می آیند آن ها را پس می زند و نمی گذارد این فرد را سؤال و جواب کنند؛ می گوید: به خاطر این که این فرد هر شب و روز من را می خواند؛ یعنی این کثرت قرائت باعث می شود که این ایمان به این سوره مبارکه با او بیاید. فردی که با این سوره انس دارد آن را در نماز و در شب و روز می خواند همان طور که سیره امام سجاد علیه السلام بود که شب و روز می خواند، سیره امام باقر علیه السلام بود که می گفت من در نماز و تیره می خوانم یا در نماز صبح انسان می خواند، یا این که این سوره را حفظ می کند و بالاخره با این سوره انس دارد ممکن است در حد علم یا در حد ایمان باشد. وقتی ایمان به عظمت این سوره دارد وقتی مفادش را می خواند قلبش خاضع و خاشع است و قلبش می گوید این حرف خداست.

خلاصه آن که اگر کسی با سوره ملک مانوس بود و به آن سوره ایمان داشت مانع از عذاب قبر است و مانع سؤال نکیر و منکر می شود برای کسی است که به این سوره مبارکه ایمان داشته باشد مقصود این است که ایمان به این سوره را با خودش ببرد. ایمان هم در دل انسان از کثرت قرائت، توجه و شب و روز خواندن حاصل می شود. اگر انسان این سوره را در قلب خودش حفظ کرد و یا شب و روز خواند و با توجه در جاهای مختلف خواند، علاقه ای به این سوره پیدا کرد و آن علاقه ایمان بشود این فرد بداند که در شب اول قبر این سوره خاصیت خودش را خواهد داشت و سؤال نکیر و منکر را از او دور می کند.

قبلاً بیان شد که انسان از این دنیا روحش که می رود با خودش چیزهایی را می برد و چیزهایی را می گذارد.

### روح در تفسیر و فلسفه

اگر سؤال شود جسم جا می گیرد و مکان دارد اما روح چیست؟ روح ما با روح خدا فرق دارد؟

گاهی در تفسیر و گاهی در فلسفه در مورد روح صحبت می کنیم. آنچه در فلسفه درباره روح می گوئیم اجمالاً آن است که: روح یک عنصر مجرد غیر مادی است که الان اداره کننده این بدن است او می بیند. می گوید: من دیدم یا من شنیدم یا من غذا خوردم و یا من گفتم و رفتم و به او با من اشاره می کنید و هر فردی برای خودش شخصیتی در نظر می گیرد این را روح می گوئیم که روح مجرد از ماده، آفریده پروردگار و اشرف مخلوقات



است. اما این روحی که به صورت من اشاره می‌کنیم وقتی از دنیا می‌رود چند چیز را با خودش می‌برد. این بحث تفسیری اوست و آیا روح و عقل و فکر و اندیشه همه یکی است یا وجه تمایز با هم دارد؟

آن چه که با خود از این دنیا می‌بریم یکی اخلاق است؛ انسانی که جود و سخاوت دارد و اخلاق خوش دارد با خودش می‌برد و آن کسی که متکبر است و بخیل و حسود است آن بخل و حسد و کبر را با خودش می‌برد. آن وقت آن اخلاق در آخرت به شکل خود انسان تجسم پیدا می‌کند.

**تجسم اعمال در قیامت:** ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ (النبا، ۷۸/۱۸)؛ «وقتی در صورت دمیده می‌شود شما فوج فوج می‌آیید». این جا پیامبر ﷺ فرمود امت من به ده صورت محشور می‌شوند بعضی‌ها به شکل خوک و خنزیر، بعضی به شکل شیر، بعضی به شکل موش و همین‌طور شکل‌های مختلف را حضرت بیان می‌کند. این اشکالی که انسان در آخرت پیدا می‌کند همان اشکال حیوانات در دنیا است. آن فردی که بخیل و مال پرست بوده به شکل موش محشور می‌شود و انسان می‌فهمد خودش است. آن که درنده خوبوده به شکل خوک و خنزیر، آن که متکبر بوده به شکل گرگ محشور می‌شود. بنابراین ما الان در دنیا همه به یک شکل هستیم و یک نوع انسان هستیم، حیوانات در دنیا باطن انسان در آخرت هستند.

**رد تناسخ مُلکی:** ما فرقه‌هایی داریم که می‌گویند بعد از این که انسان از دنیا رفت مثلاً این روحش در قالب حیوان و گیاهی می‌رود و از بین نمی‌رود مثلاً درخت می‌شود یا یک حیوان دیگری می‌شود این‌ها روح انسان هستند که در این قالب آمده‌اند به این مسخ مُلکی می‌گویند. این را با دلیل قبول نداریم این سخن مخالف گفته همه پیامبران و از جمله عقل فلسفی دقیق است.

**تناسخ ملکوتی:** یک نوع تناسخ دیگری را قبول داریم و آن تناسخ ملکوتی است؛ یعنی هر فردی به شکل اخلاقی که دارد در برزخ و قیامت محشور می‌شود نه این که در قالب حیوانی برود بلکه روحش شکل آن حیوان را پیدا می‌کند، شکل‌های انسان‌ها همان اخلاق‌های انسان است؛ پس روح یک شکلی دارد به شکل اخلاق انسان است. **بهشت و جهنم محصول اعمال انسان:** در یک جایی می‌رود یا در مکانی قرار می‌گیرد که ساخته اعمالش است، جهنم را خودش می‌سازد، بهشت را خودش می‌سازد، چه

بهشت برزخی و آخرتی و یا جهنم آخرتی و برزخی؛ می رود در آن باغی که خودش از قبل درست کرده می رود در آن گودال جهنمی که از قبل خودش آتش آن را افروخته است؛ پس جایگاه او در برزخ و آخرت همان جایی است که اعمال او درست کرده است. اعتقاداتی که با او می آید همان حقیقت روح است. پس این سه چیز با انسان می آید و دیگر هیچ چیز نمی آید. روی این جنبه است که ما عرض می کنیم خصلت هایی که در این سوره است اگر ما با ایمان، به این سوره مبارکه برسیم و به خواندن این سوره مراقبت کنیم در عالم برزخ نمود پیدا می کند و عذاب قبر را برطرف می کند و سؤال نکیر و منکر را می گذارد و در قیامت شفاعت می کند و حتی اگر جهنمی باشد به بهشت می رساند.

۱. اقبال الأعمال «سید طاووس»، ۲/۶۵۵؛ وسائل
۲. مستدرک الوسائل، ۴/۳۰۶.
۳. بحار الأنوار، ۹۲/۳۱۶.
۴. الکافی، ۲/۶۳۳.
۵. همان.
۶. همان.
۷. مجمع البیان، ۱۰/۴۸۱.
۸. بحار الأنوار، ۸۹/۳۱۵.
۹. همان، ۳۱۶.
۱۰. البرهان فی تفسیر القرآن، ۵/۴۳۴.
۱۱. همان.
۱۲. مجمع البیان، ۱۰/۴۸۱.
۱۳. بحار الأنوار، ۸۹/۲۹۱.
۱۴. مجمع البیان، ۱۰/۴۸۱.
۱۵. همان.
۱۶. مستدرک الوسائل، ۴/۳۰۷.
۱۷. بحار الأنوار، ۸۹/۳۱۶.
۱۸. همان، ۶/۲۵۴. و قد روی عن النبی ﷺ أنه قال: «من صلی علی عند قبری سمعته ومن صلی علی من بعید بلغته».
۱۹. همان، ۷۳/۲۱۴.
۲۰. البرهان فی تفسیر القرآن، ۵/۴۳۴.
۲۱. وسائل الشیعة، ۲/۴۶۵.
۲۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ۵/۴۳۴.
۲۳. الکافی، ۲/۶۳۳؛ مجمع البیان، ۱۰/۴۸۰.